

مرگ نیست توحید مرگ آگاهی و دل آگاهی (۲)

معدا این بازگشت و رجوع به موطن حقیقی است و هر چه میل و طلب برای بازگشت بیشتر باشد که این خود ناشی از معرفت و بصیرت بیشتر است وصال نزدیکتر می گردد چرا که جوی پسته پسته است و برای همین از تشنگی های ایمان آشنای مرگ است. مثل ما ایها الذین هدانا لهذا... زعمتم انکم اولیاء الله من دون الناس فتنوا الموت ان کنتم صادقیین (۱) در مقابل مرگ آگاهی، مرگ گریزی و معدوم سازی است که ولایت طاغوت است. اقتضای آن را دل در این هزاره از مرگ عبور نگویند و دارند از دل بی تنگی و وابستگی به مظاهر دنیا تا نقطه ایست و بیانات معاد در عالمی از ماده گریزی و تجربه محوری تاغی زندگی پس از مرگ که آدمی از ابتدای خلقت در کمین آن بوده است. قولایتموننه ابدیما قدمت ایدبیم والله علیم باغفالمین قل ان الموت لذی تغرون منه فانه ملائیکم ثم تردون الی عالم الذییب والشهاده لیبینکم بما کنتم تعملون (۲) صاره مرگندیشی، معرفت به جایگاه علمی و فسر وجودی انسان به درگاه باری تعالی است. این معرفت که در جویبار زندگی ساری و جاری می شود خود آگاهی است. خود آگاهی در ادبیات فرید ملیم از معرفت است. هر تفکر دینی است که انسان را به زمینه و زمانه وجودی اش آگاه می سازد و بنابراین مورد سفارش قرآن قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «فتح المعارف معرفه النفس» خود آگاهی این توان را به مالک الی الله و جسد تو جوگر حقیقت می دهد که حجاب های چند لایه زمان و زبان و مکان را ببرد و عالم را تجلی حق و نور ساطع ببرد.

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان ببرد.

اسما و الفاناء آن گاه که معیبل مفاهیم باشند بجز معرفت و تفکر هر متدبر از بزرگترین آسیب های تفکر در ایران معاصر مانع التزام و اهدا است در چنگال اسما و الفاناء و طبعا مفاهیم فیریومی است. هر حوزه تفکری الفاناء و اسما مستغنی را در خدمت می گیرد و هویت آن الفاناء و عنوانین، بدین نحو سلمان می یابد. فرید میسر و نظیر تفکر و پرستشگر زمانه خود بود و این رسالت جز با تاسیس یا کشف عناوین و تمایزی که ظرفیت حمل مفاهیم دیگر گوئی را داشته باشند میسر نیست. لذا یکی از شئون حضور فرید در سپهر اندیشه ایران پس از انقلاب اسلامی، همین تاسیس های گوست که در تمایزی چون «خود بینان اندیشی، غریز دگی، پروروز و پس فراد» مشاهده می شود. خدایش بیمار زاد

- ۱- یانوشتاها
- ۲- الفاناء و اسما مفاهیم فیریومی است. هر حوزه تفکری الفاناء و اسما مستغنی را در خدمت می گیرد و هویت آن الفاناء و عنوانین، بدین نحو سلمان می یابد. فرید میسر و نظیر تفکر و پرستشگر زمانه خود بود و این رسالت جز با تاسیس یا کشف عناوین و تمایزی که ظرفیت حمل مفاهیم دیگر گوئی را داشته باشند میسر نیست. لذا یکی از شئون حضور فرید در سپهر اندیشه ایران پس از انقلاب اسلامی، همین تاسیس های گوست که در تمایزی چون «خود بینان اندیشی، غریز دگی، پروروز و پس فراد» مشاهده می شود. خدایش بیمار زاد
- ۳- الفاناء و اسما مفاهیم فیریومی است. هر حوزه تفکری الفاناء و اسما مستغنی را در خدمت می گیرد و هویت آن الفاناء و عنوانین، بدین نحو سلمان می یابد. فرید میسر و نظیر تفکر و پرستشگر زمانه خود بود و این رسالت جز با تاسیس یا کشف عناوین و تمایزی که ظرفیت حمل مفاهیم دیگر گوئی را داشته باشند میسر نیست. لذا یکی از شئون حضور فرید در سپهر اندیشه ایران پس از انقلاب اسلامی، همین تاسیس های گوست که در تمایزی چون «خود بینان اندیشی، غریز دگی، پروروز و پس فراد» مشاهده می شود. خدایش بیمار زاد
- ۴- الفاناء و اسما مفاهیم فیریومی است. هر حوزه تفکری الفاناء و اسما مستغنی را در خدمت می گیرد و هویت آن الفاناء و عنوانین، بدین نحو سلمان می یابد. فرید میسر و نظیر تفکر و پرستشگر زمانه خود بود و این رسالت جز با تاسیس یا کشف عناوین و تمایزی که ظرفیت حمل مفاهیم دیگر گوئی را داشته باشند میسر نیست. لذا یکی از شئون حضور فرید در سپهر اندیشه ایران پس از انقلاب اسلامی، همین تاسیس های گوست که در تمایزی چون «خود بینان اندیشی، غریز دگی، پروروز و پس فراد» مشاهده می شود. خدایش بیمار زاد
- ۵- الفاناء و اسما مفاهیم فیریومی است. هر حوزه تفکری الفاناء و اسما مستغنی را در خدمت می گیرد و هویت آن الفاناء و عنوانین، بدین نحو سلمان می یابد. فرید میسر و نظیر تفکر و پرستشگر زمانه خود بود و این رسالت جز با تاسیس یا کشف عناوین و تمایزی که ظرفیت حمل مفاهیم دیگر گوئی را داشته باشند میسر نیست. لذا یکی از شئون حضور فرید در سپهر اندیشه ایران پس از انقلاب اسلامی، همین تاسیس های گوست که در تمایزی چون «خود بینان اندیشی، غریز دگی، پروروز و پس فراد» مشاهده می شود. خدایش بیمار زاد
- ۶- الفاناء و اسما مفاهیم فیریومی است. هر حوزه تفکری الفاناء و اسما مستغنی را در خدمت می گیرد و هویت آن الفاناء و عنوانین، بدین نحو سلمان می یابد. فرید میسر و نظیر تفکر و پرستشگر زمانه خود بود و این رسالت جز با تاسیس یا کشف عناوین و تمایزی که ظرفیت حمل مفاهیم دیگر گوئی را داشته باشند میسر نیست. لذا یکی از شئون حضور فرید در سپهر اندیشه ایران پس از انقلاب اسلامی، همین تاسیس های گوست که در تمایزی چون «خود بینان اندیشی، غریز دگی، پروروز و پس فراد» مشاهده می شود. خدایش بیمار زاد
- ۷- الفاناء و اسما مفاهیم فیریومی است. هر حوزه تفکری الفاناء و اسما مستغنی را در خدمت می گیرد و هویت آن الفاناء و عنوانین، بدین نحو سلمان می یابد. فرید میسر و نظیر تفکر و پرستشگر زمانه خود بود و این رسالت جز با تاسیس یا کشف عناوین و تمایزی که ظرفیت حمل مفاهیم دیگر گوئی را داشته باشند میسر نیست. لذا یکی از شئون حضور فرید در سپهر اندیشه ایران پس از انقلاب اسلامی، همین تاسیس های گوست که در تمایزی چون «خود بینان اندیشی، غریز دگی، پروروز و پس فراد» مشاهده می شود. خدایش بیمار زاد
- ۸- الفاناء و اسما مفاهیم فیریومی است. هر حوزه تفکری الفاناء و اسما مستغنی را در خدمت می گیرد و هویت آن الفاناء و عنوانین، بدین نحو سلمان می یابد. فرید میسر و نظیر تفکر و پرستشگر زمانه خود بود و این رسالت جز با تاسیس یا کشف عناوین و تمایزی که ظرفیت حمل مفاهیم دیگر گوئی را داشته باشند میسر نیست. لذا یکی از شئون حضور فرید در سپهر اندیشه ایران پس از انقلاب اسلامی، همین تاسیس های گوست که در تمایزی چون «خود بینان اندیشی، غریز دگی، پروروز و پس فراد» مشاهده می شود. خدایش بیمار زاد
- ۹- الفاناء و اسما مفاهیم فیریومی است. هر حوزه تفکری الفاناء و اسما مستغنی را در خدمت می گیرد و هویت آن الفاناء و عنوانین، بدین نحو سلمان می یابد. فرید میسر و نظیر تفکر و پرستشگر زمانه خود بود و این رسالت جز با تاسیس یا کشف عناوین و تمایزی که ظرفیت حمل مفاهیم دیگر گوئی را داشته باشند میسر نیست. لذا یکی از شئون حضور فرید در سپهر اندیشه ایران پس از انقلاب اسلامی، همین تاسیس های گوست که در تمایزی چون «خود بینان اندیشی، غریز دگی، پروروز و پس فراد» مشاهده می شود. خدایش بیمار زاد



# کدام مخاطب؟

دکتر فرید احمدی در باره فلسفه و فلسفه

محمدرحیمی، درس آموخته فرهنگ و زبان های باستانی از دانشگاه تهران است. وی تاکنون سمت های متعددی همچون ریاست سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، ریاست کنفرانس ملی، عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی و... را بر عهده داشته است و هم اکنون به عنوان رئیس موسسه فرهنگی «کوره» مشغول به کار است. او در دانشگاه تهران، دانش جوی فرید بوده و در سخنرانی های وی نیز حاضر می شده است. ارتباط وی با فرید تا مدتی قبل از مرگ وی همچنان برقرار بود.

محمدرحیمی، درس آموخته فرهنگ و زبان های باستانی از دانشگاه تهران است. وی تاکنون سمت های متعددی همچون ریاست سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، ریاست کنفرانس ملی، عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی و... را بر عهده داشته است و هم اکنون به عنوان رئیس موسسه فرهنگی «کوره» مشغول به کار است. او در دانشگاه تهران، دانش جوی فرید بوده و در سخنرانی های وی نیز حاضر می شده است. ارتباط وی با فرید تا مدتی قبل از مرگ وی همچنان برقرار بود.

محمدرحیمی، درس آموخته فرهنگ و زبان های باستانی از دانشگاه تهران است. وی تاکنون سمت های متعددی همچون ریاست سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، ریاست کنفرانس ملی، عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی و... را بر عهده داشته است و هم اکنون به عنوان رئیس موسسه فرهنگی «کوره» مشغول به کار است. او در دانشگاه تهران، دانش جوی فرید بوده و در سخنرانی های وی نیز حاضر می شده است. ارتباط وی با فرید تا مدتی قبل از مرگ وی همچنان برقرار بود.

فلسفه جوان اصلا قابل قیاس با سرور نبوده و نسبت کمی و کیفی مدرسه دانشگاه انتشاراتی هلد مطبوعات و حتی شبکه های رادیو تلویزیونی نیز اصلا قابل مقایسه با بعد از انقلاب نبود. در آن دوره دکتر فرید برای احاد جامعه صحبت نمی کرد چرا که نه اقتضایش به لحاظ ذکاوت علمی و فرهنگی مردم وجود داشت و نه این اجازه از جانب حکومت داده می شد. تنها در دوره بعد از انقلاب بود که دکتر فرید چند مباحثی در سخنرانی هایش هم مخاطب عام و هم مخاطب دانشگاهی را یکجا مورد خطاب قرار داد. کسانی که در آن دوره در حسینیه ارشاد دست به چنین کاری زده بودند خیلی سریع با ملامت مواجه شدند. این روز وقتی می گوئید «جامعه» منظور من مشابه جامعه امروزی نیست که حتی یک روستایی هم به مدد استفاده از رادیو و تلویزیون مسائل روز را فرمی یابد. در مورد دکتر فرید وقتی که صحبت از جامعه آن زمان می شود فقط منظور جامعه دانشگاهی یا روشنفکری است. در چنین فضایی به جای آن افراد آن جامعه اصلا تفکر به معنای فلسفی کلمه حیرت نداشتند چون رشته دانشگاهی آنها دارای اقتضات خاص خود بود. تمام رشته های دانشگاهی فنی و پزشکی و رشته های که خارج از مسائل عمیق فکری بودند. در این زمینه قرار می گرفتند البته این به آن معنا نیست که استناد و دانش جوان آنها موضع سیاسی یا اعتقادی نداشتند. در آن زمان چه با که در آنها هم چپ ها (کمونیست ها) حضور داشتند و هم اسلام گرایان در آن گروه عصبه فعالیت می کردند. میزان آنها متاثر از مرحوم بزرگان و بعدا مرحوم دکتر شریعتی بودند و برخی هم حرفه نماز جوان بودند و با جریان های میزگر و مخالف با نظام وقت ارتباطی نداشتند. سویی دیگر ناسیونالیست های افراطی هم در کنار سایر گرایش ها در دانشگاهها حضور داشتند. برخی از اینها طرفدار رژیم یا عوامل رژیم بودند و بعضی هم با سیاست وطن فروشی و مخالفت می کردند و مثلا به حضور سربران

آمریکایی در ایران معترض بودند. اما به هر حال کم بودند کسانی که علوم فلسفی، ادبیات فلسفه و هنر را به طور جدی دنبال کنند. این ملامت را از آن جهت عرض می کنم که بگوئیم دکتر فرید در آن زمان نه به عنوان یک مصلح اجتماعی مطرح بود و نه به عنوان یک تنور بیسی سیلیس محسوب می شد و نه رهبری گروهی را به عهده داشت. دکتر فرید در آن زمان برجسته ترین استاد فلسفه در کشور بود که به طور خاص به فلسفه جدید و معاصر غرب تسلط بی چون و چرا داشت. مثلا در ایران آن زمان کمتر کسی اسم هایدگر را شنیده بوده ولی ایشان آثار هایدگر را شرح می داد و فلسفه نیچه و هوسرل را بیان می کرد. به همین دلیل شما می بینید فی المثل مرحوم دکتر پهلوی «... که حق بزرگی در شناسیدن فلسفه غرب در ایران دارد» یا تاجزول و نکرمسی کنفرانس در آنتر خود از دکتر فرید یاد می کنند. در مقدمه کتاب فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه می نویسند: «... در این ترجمه کلا نچه بنظر کردم و از دوست و همکار گرامی خود آقای دکتر احمد فرید در خواستم که در آن نگاه کنند و با حاکم و اصلاح عبارات و در صورت لزوم تغییر و تبدیل معادل هایی که به فارسی در مقابل اصطلاحات فلسفی خارجی، اختیار شده است مترجم را اصلاح کنند و در همین منت خرد سازند. آقای دکتر فرید بیشتر از آنچه این بنده خواسته بود و انتظار داشت هر وقت و همت فرمودند تا جایی که بعضی قسمت های آن را (من جمله از صفحه ۱ تا ۴۴) تلفی تحریز کردند. اکنون به راستی در این ترجمه آنچه پسندیده است و پسلمان، او ایشان است و آنچه ناپسندیده است از این بنده است. این استاد بزرگوار در سال ۱۳۷۰ ترجمه کتاب بزرگ زان و آل به نام هجت در مابعدالطبیعه را به کسی هدیه کرده است که بدون ذکر نام وی را چنین می ستایند چه بدان بزرگوار دوست که از گفتن همی دکم رنگ و غیر نداشتند»



می توانید بگویید دقیقا چه صافی بود؟

سال ۱۳۵۷ قسم انگیزه مسئولان منتقد پیش روی قانون اساسی و آتاندیا که به خاطر دارم دکتر فرید پیشه‌دار کرد و آقای نواد کرمی آن را پذیرفتند...  
پیش از انقلاب اسلامی در آن زمان...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...

فرزانی از آنها به فروش می رسید...  
دکتر فرید را وابسته به قدرت می دانستند...  
در آن زمان...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...

دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...

دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...

توقف اعضا کرد و از موضع گیری روزنامه رسمی کشور به شدت برانگیخت...  
اما در مورد خود باید عرض کنم که وزیر وقت آموزش و پرورش...  
در سال ۱۳۵۷ به سرپرستی اداره کل آموزش ضمن خدمت منصوب کرد...  
معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...

دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...

دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...

جایگاه دیگر دکتر فرید که به اعتقاد من باعث این همه حرف و حدیث های متعدد شده آن است که نگرش دکتر فرید به فرهنگ و تمدن غرب به طور طبیعی با جریان انقلاب اسلامی عجین شد...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...

دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...

دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...  
دکتر فرید در آن زمان...  
پس از انقلاب اسلامی...



اینکه می گویند شاگردان فرید مملکت را گرفته اند یعنی چه؟ کدام شاگرد؟ کجای مملکت؟ تازه چه ربطی به آن ممنوع التعلیم خان نشین داشته؟

